

میرچا الیاده

---

# از جوامع ابتدایی تا ذن

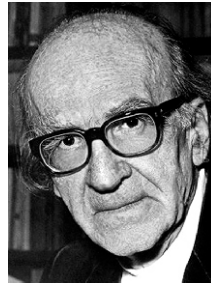
منبعی موضوعی  
در تاریخ ادیان

ترجمه سجاد دهقان زاده

---



بنگاه ترجمه و نشر  
کتاب پارسه



**میرچا الیاده**  
(۱۹۰۷-۱۹۸۶)

این اسطوره‌شناس و دین‌پژوه رومانیایی، از دانشگاه‌ها و مراکز  
متعدد علمی دکترای افتخاری دریافت کرد: کالج بوستون، کالج حقوق  
سیل فیلادلفیا، دانشگاه سوربن و...

از دیگر آثار او: *تاریخ اندیشه‌های دینی* (۳ جلد)، *تصاویر و نمادها*،  
*اسطوره و واقعیت*، *هنر اسرارآمیز* و...

## فهرست

۲۱	.....	دیباچه
۲۳	.....	پیش‌گفتار

### فصل یکم: ایزدان، ایزدبانوان و موجودات فراطبیعی

۲۹	.....	الف) ایزدان مردم ابتدایی (جوامع فاقد الفبا)
۲۹	.....	۱. موجودات فراطبیعی استرالیایی
۳۳	.....	۲. نزامبی، خدای متعال بانکونگو
۳۴	.....	۳. وجود متعال ایسو کو (نیجریه جنوبی)
۳۴	.....	۴. نگای، وجود متعال کیکویو
۳۶	.....	۵. لزا، خدای متعال با-ئبلا در رودزیای شمالی
۳۶	.....	۶. وجود متعال هررو
۳۷	.....	۷. رالوهیمبا، خدای متعال وندا
۳۹	.....	۸. واکان تانکا، خدای متعال داکوتا
۴۰	.....	۹. «روح بزرگ» لِنَپَه
۴۱	.....	۱۰. تیراوا، خدای متعال پونی
۴۲	.....	۱۱. وجود متعال مائوری (پولی‌نزی)
۴۳	.....	۱۲. مادر کیهانی و خدای متعال

۱۳. یکی از تجلیات خدای خورشید در امریکای جنوبی..... ۴۴
۱۴. سرور مردم کاریبو..... ۴۵
۱۵. هاینوله و «قتل آفرینشگر» (جزیره سیرام، گینه نو)..... ۴۶

(ب). خدایان خاور نزدیک باستان، هند باستان و ژاپن..... ۴۹

۱۶. انکی، خدای متعال سومری..... ۴۹
۱۷. خدای متعال مصری در عصر متون تابوت..... ۵۳
۱۸. آتوم، خدای متعال دو جنسیتی..... ۵۴
۱۹. مجادله اوزیریس و خدای متعال..... ۵۴
۲۰. آمین هوتپ چهارم و سرود ستایش آتن..... ۵۶
۲۱. وارونا، خدای عالم مطلق..... ۶۲
۲۲. «وارونای پادشاه، آنجاست...»..... ۶۳
۲۳. وارونا و ایندرا..... ۶۴
۲۴. «ستایش و خیرات خود را به کدامین خدا تقدیم کنیم؟»..... ۶۵
۲۵. «ایندرا، خدایی که به محض پیدایی، در قدرت از خدایان پیش افتاد»..... ۶۷
۲۶. سرودی ودایی در ستایش ایزدبانوی زمین..... ۶۹
۲۷. ویشنو، خدای کیهانی..... ۷۲
۲۸. تجلی کرشنا..... ۷۵
۲۹. تاتهاگاتا نامش را برای هر نسلی اعلام می کند و ورودش را به نیروانا آشکار می سازد..... ۷۸
۳۰. شفقت بیکران بودی ستوا..... ۸۰
۳۱. ایزدبانوی خورشید آما تراسو و ایزد توفان سوسا-نو-و..... ۸۱

(پ). خدایان و قهرمانان یونانی و وجود متعال ایرانی، اهورامزدا..... ۸۵

۳۲. خطاب به آپولوی پیتیبایی..... ۸۵
۳۳. زمین، مادر همگان..... ۸۹
۳۴. هرکول: شاهکارهای او، مرگ او، الوهیت بخشی به او..... ۹۰
۳۵. دیمتر و بنیان اسرار الئوسی..... ۹۹
۳۶. زالموخیس، خدای گنای..... ۱۰۲
۳۷. زردشت «خلاصه ای از تعالیم» را بیان می کند..... ۱۰۴

۳۸. گاتهای گزینش: زردشت به بیان گزینش مثالی می‌پردازد ..... ۱۰۵
۳۹. دومین گاتهای گزینش ..... ۱۰۷
- ت). اسلام: الله و پیامبر او ..... ۱۰۹
۴۰. محمد درباره الله می‌گوید: «خدایی جز او نیست...» ..... ۱۰۹
۴۱. الله، عالم مطلق، قادر مطلق و آفریدگار است! ..... ۱۱۰
۴۲. الله «اول و آخر»، خالق، صانع و شکل‌دهنده است... او بر هر چیزی علم دارد ..... ۱۱۱
۴۳. الله نور است... ..... ۱۱۲

### فصل دوم: اساطیر آفرینش و خاستگاه

- الف). اساطیر آفرینش جهان ..... ۱۱۷
۴۴. آفرینش به واسطه اندیشه ..... ۱۱۷
۴۵. کیهان‌زایی اوماها: خاستگاه جهان در ذهن خدا بود ..... ۱۱۸
۴۶. آفرینش از ظهور محض ..... ۱۱۹
۴۷. ابو و کیهان‌زایی مائوری ..... ۱۲۰
۴۸. پیدایش خدایان و کیهان‌زایی پلی‌نزیایی ..... ۱۲۲
۴۹. یک اسطوره آفرینشی از نوع غَوّاص زمین ..... ۱۲۳
۵۰. سرآغاز جهان ..... ۱۲۵
۵۱. یک کیهان‌زایی آفریقایی ..... ۱۲۶
۵۲. تکوین جهان مایا - کیشه ..... ۱۲۸
۵۳. کیهان‌زایی ژاپنی ..... ۱۳۰
۵۴. کیهان‌زایی و نسب‌نامه خدایان مصری ..... ۱۳۲
۵۵. کیهان‌زایی بین‌النهرینی ..... ۱۳۳
۵۶. «کیست که بتواند بگوید موجودات از کجا پیدا شدند ..... ۱۵۰
۵۷. کیهان‌زایی هندی ..... ۱۵۲
۵۸. آفرینش جهان به روایت ..... ۱۵۴
۵۹. کیهان‌زایی و نسب‌نامه خدایان هسپود ..... ۱۵۵
۶۰. کیهان‌زایی ثنوی زردشتی: اورمزد و اهریمن ..... ۱۵۸

۱۰ ■ از جوامع ابتدایی تا دهن

- ب. یک اسطوره آغاز و فرجام ..... ۱۶۱
۶۱. روایت اسکانندیناویایی درباره آفرینش و فرجام جهان ..... ۱۶۱
- پ. آفرینش انسان ..... ۱۸۹
۶۲. آفرینش زن از مادر-زمین (ماتوری) ..... ۱۸۹
۶۳. آفرینش زونی: آفرینش و ظهور انسان ..... ۱۹۰
۶۴. خداوند و پنج زن: اسطوره‌ای درباره خاستگاه زمین، آتش، آب و زن ..... ۱۹۴
۶۵. یک اسطوره سرخ‌پوستی تامسونی درباره آفرینش انسان ..... ۱۹۵
۶۶. یک اسطوره پاونی: مادر غلات نخستین انسان‌ها را به سطح زمین راه می‌نماید ..... ۱۹۶
۶۷. یک داستان آفریقایی از آفرینش انسان: ..... ۱۹۷
- ت. اساطیر خاستگاه مرگ ..... ۱۹۹
۶۸. پوست‌اندازی: یک اسطوره ملانزیایی ..... ۱۹۹
۶۹. سنگ و موز: یک اسطوره اندونزیایی ..... ۲۰۰
۷۰. ماه و رستاخیز: یک اسطوره استرالیایی ..... ۲۰۰
۷۱. پرندۀ بی‌رحم: یا اسطوره استرالیایی (قبیلۀ آراندا) ..... ۲۰۱
۷۲. مائویی و هیئنه‌نوبی ته‌پو: یک اسطوره پلی‌نزیایی ..... ۲۰۲
- ث. اساطیر سیل و توفان ..... ۲۰۵
۷۳. روایت سیل و توفان از حماسه گیلگمش ..... ۲۰۵
۷۴. یک اسطوره توفان از هند باستان ..... ۲۱۳

فصل سوم: انسان و امر مقدس

- الف) جهان مقدس، حیات مقدس، زمان مقدس ..... ۲۱۷
۷۵. جهان مقدس، دایاک‌های بورنئو ..... ۲۱۷
۷۶. جهان مقدس و حیات مقدس لِناپه‌ها ..... ۲۲۱
۷۷. نمادپردازی کیهانی خانۀ نیایش مردم دلاواره (لِناپه) ..... ۲۲۳
۷۸. چرخه حیات (بومیان) استرالیایی ..... ۲۲۴

۷۹. معنای هستی انسان (بومیان استرالیایی) ..... ۲۲۵
۸۰. مراحل زندگی مقدس (نگاجو دایاک، از بورنئوی جنوبی) ..... ۲۲۷
۸۱. دوران مقدس (نگاجو دایاک، از جنوب بورنئو) ..... ۲۳۳
۸۲. شکار پیشه‌ای مقدس است (سرخ‌پوستان ناسکاپی از شبه جزیره لابرادور) ..... ۲۳۵
۸۳. قداست کشاورزی: اهورامزدا به زردشت می‌آموزد ..... ۲۳۷
۸۴. احترام جین‌ها برای حیات ..... ۲۳۸
- (ب). خاستگاه و سرنوشت روح و نیروهای مانا** ..... ۲۴۱
۸۵. ارواح، رویاها، مرگ، خلسه ..... ۲۴۱
۸۶. مفهوم استرالیایی روح در زندگی و مرگ ..... ۲۵۱
۸۷. پیش‌زایش و تجسد در میان سرخ‌پوستان امریکای شمالی ..... ۲۵۳
۸۸. روح انسانی هم با اوزیریس و هم با طبیعت یکسان فرض می‌شود ..... ۲۵۹
۸۹. مانا: یک موضوع دینی ملانزیایی ..... ۲۶۰
۹۰. مانای پولینزیایی ..... ۲۶۲
- (پ). انواع قربانی** ..... ۲۶۹
۹۱. قربانی قوم نوئر ..... ۲۶۹
۹۲. قربانی خرس قوم آینو ..... ۲۷۴
۹۳. قربانی اسب و عروج شمن به آسمان (آلتایی) ..... ۲۸۰
۹۴. یک قربانی مزدایی (زردشتی) به خورشید ..... ۲۸۷
۹۵. قربانی هومری برای اموات ..... ۲۸۸
۹۶. یک قربانی برای رهبا، ایزدبانوی مادر فریجیایی ..... ۲۸۹
۹۷. کفاره قصبه‌ای امبریایی: یک قربانی در روم باستان ..... ۲۹۱
۹۸. پیشکشی برای ژوپیتر قبل از بذرافشانی ..... ۲۹۳
۹۹. یک قربانی برداشت محصول رومی ..... ۲۹۴
۱۰۰. جان‌نثاری: مرگ فداکارانه دکیوس ..... ۲۹۵
۱۰۱. قربانی کیهانی ..... ۲۹۷
- (ت). مناسک، پیشگویی‌ها، تجویزها و سرسپاری** ..... ۳۰۱
۱۰۲. ایجاد باران (استرالیا) ..... ۳۰۱

۱۰۳. رستاخیز اوزیریس ..... ۳۰۳
۱۰۴. افسونی برای رستاخیز اوزیریس ..... ۳۰۳
۱۰۵. چُپُک مقدس (سرخ‌پوستان داکوتا) ..... ۳۰۴
۱۰۶. معنا و ارزش شعائر: یک ارزیابی کنفوسیوسی ..... ۳۰۷
۱۰۷. تقدیس آماتراسو ..... ۳۰۹
۱۰۸. یک آیین برداشت محصول شینتویی ..... ۳۱۰
۱۰۹. غسل آیینی نوزاد آرتکی ..... ۳۱۲
۱۱۰. «اقرار منفی» مصری ..... ۳۱۳
۱۱۱. اقرار و استغفار آرتکی ..... ۳۱۵
۱۱۲. نظریهٔ چینی دربارهٔ نشانه‌ها ..... ۳۱۶
۱۱۳. ظهور فرقاوول، یک نشانهٔ نویدبخش (ژاپن باستان) ..... ۳۱۷
۱۱۴. پیشگویی تروفونیوس در لبادیا ..... ۳۱۸
۱۱۵. ما سوما نوشیده‌ایم، جاودان گشته‌ایم ..... ۳۲۱
۱۱۶. اسطوره و مناسک: چگونگی گندهاروا شدن ..... ۳۲۳
۱۱۷. اعمال را انجام ده، رها از هر وابستگی ..... ۳۲۷
۱۱۸. پرستش فردی: پوجا (هندوئیسم) ..... ۳۲۸
۱۱۹. پوجا برای ویشنو و سایر خدایان (هندوئیسم) ..... ۳۳۱
۱۲۰. فضیلت‌های ساختن معبد (هندوئیسم) ..... ۳۳۳
۱۲۱. اعمال و پاداش‌های پرستش بودا ..... ۳۳۶
۱۲۲. محمد<sup>[ص]</sup> فرامین اسلام را اعلام می‌کند ..... ۳۳۸
۱۲۳. «کسانی که توبه می‌کنند و پس از آن به اصلاح پیشینهٔ خود می‌پردازند...» ..... ۳۴۰
۱۲۴. حج در قرآن ..... ۳۴۰

ث. دعاها و سرودهای ستایشی ..... ۳۴۳

۱۲۵. یک «بوشمن» از خدای خود طلب یاری می‌کند (آفریقای جنوبی) ..... ۳۴۳
۱۲۶. مناجاتی خطاب به ایمانا، خدای آفریدگار در روآندا - اوروندی ..... ۳۴۳
۱۲۷. سرود ستایشی خطاب به مُواری، خدای قبیلهٔ ماشونا ..... ۳۴۴
۱۲۸. ستایش و دعای آراپاهویی ..... ۳۴۶
۱۲۹. زمین‌مادر را شکرگزاری کنید ..... ۳۴۶



۱۳۰. یک دعای خانوادگی تاهیتیایی ..... ۳۴۷
۱۳۱. مرثیهٔ اهالی هاوایی ..... ۳۴۷
۱۳۲. یک سرود ستایش سومری - آکدی ..... ۳۴۸
۱۳۳. سرود ستایش شَمَش ..... ۳۵۰
۱۳۴. «مرا از گناه آزاد کن»: سرودی خطاب به وارونا ..... ۳۵۳
۱۳۵. چگونه وارونا و من می‌توانیم متحد شویم ..... ۳۵۵
۱۳۶. «مرا جاودانه گردان» ..... ۳۵۶
۱۳۷. سرود ستایش آگنی ..... ۳۵۷
۱۳۸. دعای اسکپیو افریکانوس ..... ۳۵۹
۱۳۹. سرود ستایش کلینتس خطاب به زئوس ..... ۳۶۰
۱۴۰. محمد نمازهای روزانه را برای مسلمانان تجویز می‌کند ..... ۳۶۲
۱۴۱. حمد و ثنای درویش ..... ۳۶۳

- (ج). الگوهای تشریف ..... ۳۶۵
۱۴۲. یک تشریف قبیله‌ای استرالیایی ..... ۳۶۵
۱۴۳. دوک دوک، یک انجمن سرّی در ملانزی ..... ۳۶۸
۱۴۴. دیکشا، یک تشریف هندی ..... ۳۷۱
۱۴۵. آیین تشریف یک جنگجو: برسرک شدن ..... ۳۷۳
۱۴۶. تشریف کوچولاین ..... ۳۷۵
۱۴۷. دیونیزوس و باکائه‌ها ..... ۳۷۶
۱۴۸. اسرار الئوسی ..... ۳۷۹
۱۴۹. مرگ و تشریف در آیین‌های سرّی ..... ۳۸۱
۱۵۰. تشریف به اسرار کوبله: تائوروبولیوم ..... ۳۸۲
۱۵۱. تجلی خدای رازآمیز ..... ۳۸۳
۱۵۲. اتحاد با خدای رازآمیز ..... ۳۸۴
۱۵۳. جاودانه‌سازی (آپاتاناتیسوس) ..... ۳۸۴
۱۵۴. افلاطون دربارهٔ تشریف ..... ۳۸۴
۱۵۵. تشریف در اسرار ایزیس ..... ۳۸۵
۱۵۶. پرهیزگاری شخصی در روم ..... ۳۹۲

۱۵۷. تشریف کوکایی در بودیسم باطنی..... ۳۹۴

### فصل چهارم: مرگ، پس از مرگ و فرجام‌شناسی

(الف). ایزدان، قهرمانان و مرگ..... ۴۰۱

۱۵۸. نزول ایشتار به جهان زیرین..... ۴۰۱

۱۵۹. گیلگمش در جست‌وجوی جاودانگی..... ۴۰۶

(ب). مرگ و وضعیت میانی..... ۴۲۱

۱۶۰. لحظهٔ مرگ به روایت اوپانشادها..... ۴۲۱

۱۶۱. مفهوم بودایی وضعیت میانی..... ۴۲۲

۱۶۲. کتاب تبتی مردگان: مرگ و وضعیت میانی..... ۴۲۳

(پ). آیین‌های تدفین..... ۴۲۹

۱۶۳. ای خاک او آسان بگیر..... ۴۲۹

۱۶۴. آیین تدفین آرتکی..... ۴۳۲

۱۶۵. آیین‌های تدفین تورادجا (سلبسِ مرکزی)..... ۴۳۳

(ت). پندار مصریان دربارهٔ مرگ..... ۴۴۳

۱۶۶. فرعون متوفا به آسمان عروج می‌کند..... ۴۴۳

۱۶۷. فرعون متوفا اوزیریس می‌شود..... ۴۴۵

۱۶۸. اوزیریس، کهن‌الگوی هر کسی که امیدوار غلبه بر مرگ است..... ۴۴۵

۱۶۹. بقا به صورت «با» و زندگی در قبر مکمل هم هستند..... ۴۴۶

۱۷۰. سرزمین خاموشی و ظلمت مصری..... ۴۴۷

(ث). مسیر جهان مردگان..... ۴۴۹

۱۷۱. در انجمن اخوت اورفتوسی - فیثاغوری، به تشریف یافتگان..... ۴۴۹

۱۷۲. زندگی پس از مرگ ایرانی: گذر از پُل چینوت و راه‌های بهشت و دوزخ..... ۴۵۱

۱۷۳. یک آیین تدفین سیبریایی (گلدی): شمن، روح را به جهان زیرین هدایت می‌کند..... ۴۵۴

۱۷۴. جادهٔ سرزمین مردگان نزد سرخ‌پوستان وینه‌باگو..... ۴۵۶
۱۷۵. جادهٔ جهان ارواح..... ۴۵۸
۱۷۶. سفر به سرزمین پدر بزرگ: باور گوارایویی (بولیویای شرقی)..... ۴۵۹
۱۷۷. یک سفر پولی‌نزیایی به جهان زیرین..... ۴۶۰
- ج. تصورات یونانی و رومی دربارهٔ مرگ و جاودانگی**
۱۷۸. حتی در خانهٔ هادس نیز چیزی باقی می‌ماند..... ۴۶۳
۱۷۹. شاهد سوسن سفید، آنجا که ارواح سکونت دارند..... ۴۶۴
۱۸۰. نظرگاهی رومی دربارهٔ پس از مرگ «رویای اسکپیو»..... ۴۶۵
۱۸۱. امید و کلس: درباب روح..... ۴۶۸
۱۸۲. افلاطون: درباب تناسخ..... ۴۶۸
۱۸۳. افلاطون: دربارهٔ جاودانگی روح..... ۴۷۰
- چ. اساطیر اورفتوسی**
۱۸۴. یک اورفتوس پولی‌نزیایی..... ۴۷۳
۱۸۵. یک اورفتوس کالیفرنمایی: یک اسطورهٔ تاچی یوکوت..... ۴۷۴
- ح. بهشت**
۱۸۶. یک بهشت مهایانا، سرزمین پاک..... ۴۷۹
- خ. پایان جهان**
۱۸۷. اهورامزدا به یمه می‌آموزد که او چگونه کسانی را که در جهان..... ۴۸۳
۱۸۸. بودا افول تدریجی دین را پیشگویی می‌کند..... ۴۸۵
۱۸۹. فرجام‌شناسی ایرانی: رستاخیز مردگان و جسم نهایی..... ۴۸۸
۱۹۰. محمد [ص] دربارهٔ روز محشر سخن می‌گوید..... ۴۹۱
- د. رسالت مسیحایی و نهضت‌های هزاره‌گرا**
۱۹۱. رسالت میتربیا، بودای آینده..... ۴۹۳
۱۹۲. نیچیرن ژاپن را مرکز احیای بودیسم می‌بیند..... ۴۹۶
۱۹۳. یک نهضت بومی‌گرا در میان سرخ‌پوستان سو: دین رقص شیخ..... ۴۹۷

۱۹۴. کیش رقص شیخ (قبیله سو): مناسک ..... ۵۰۵
۱۹۵. جان فروم: یک نهضت هزاره گرا در تانآ، جزایر هیبرید نو ..... ۵۰۸
۱۹۶. کیش مسیح گرای جماعت عریان در سانتو: جزایر هیبرید نو ..... ۵۱۳

### فصل پنجم: متخصصان امر مقدس: از درمانگران تا عرفا و بانیان ادیان

- (الف). شمن ها و درمانگران ..... ۵۱۹
۱۹۷. تربیت درمانگر: قبیله ویرادجوری (جنوب شرق استرالیا) ..... ۵۲۱
۱۹۸. تشریف یک طیب درمانگر: قبیله کورنای (جنوب شرقی استرالیا) ..... ۵۲۲
۱۹۹. تشریف یک درمانگر بین‌بینگایی (استرالیای مرکزی) ..... ۵۲۴
۲۰۰. تشریف یک درمانگر استرالیایی: قبیله آنماتجرا<sup>۵</sup> (استرالیای مرکزی) ..... ۵۲۴
۲۰۱. لبید چگونه یک شمن شد (سرخ‌پوستان کواکیوتل) ..... ۵۲۶
۲۰۲. روشن‌شدگی شمن‌های اسکیمویی (ایگلولیک) ..... ۵۳۰
۲۰۳. رویای مربوط به تشریف یک شمن سامویدی ..... ۵۳۰
۲۰۴. ازدواج عرفانی یک شمن سبیریایی (گلدی) ..... ۵۳۳
۲۰۵. یک شمن پر قدرت (آپاچی) ..... ۵۳۵
۲۰۶. گم‌شدن روح و درمان جادویی (آپینایه، از برزیل شرقی) ..... ۵۳۵
۲۰۷. یک جلسه شمنی یوکاگیری (شمال شرقی سبیری) ..... ۵۳۶
۲۰۸. یک شمن اسکیمویی به اعماق اقیانوس نزول می‌کند ..... ۵۳۷
۲۰۹. جادوی سیاه: یک جادوگر استرالیایی (آرنهم‌لند) ..... ۵۳۹
- (ب). شخصیت‌های مقدس ..... ۵۴۳
۲۱۰. یک پادشاه الهی آفریقایی (نیاساند) ..... ۵۴۳
۲۱۱. مرگ اورفئوس ..... ۵۴۷
۲۱۲. امپدوکلس همچون یک نامیرا در میان انسان‌ها راه می‌رود ..... ۵۴۸
۲۱۳. فلامن دیالیس و همسرش ..... ۵۴۸
۲۱۴. اوگوستوس، پدر سرزمین پدری ..... ۵۵۰
۲۱۵. نیچیرن خود را «بودی ستوا»، کردار متعال معرفی می‌کند ..... ۵۵۱
۲۱۶. تحول نیچیرن به‌هنگام زندگی در خلوت ..... ۵۵۲

- (پ). اشکال ریاضت..... ۵۵۵
۲۱۷. ریاضت هندی..... ۵۵۵
۲۱۸. گوتما بودا از ریاضت‌های خود سخن می‌گوید..... ۵۵۷
۲۱۹. گوتما بودا به سخت‌ترین ریاضت‌ها عمل کرد و در یوگا استاد شد..... ۵۶۰
۲۲۰. اعمال و تعالیم جین دربارهٔ عدم خشونت (اهیمسا): الگوی مهاویرا..... ۵۶۲
۲۲۱. میلارپا پنج مایهٔ راحتی‌اش را می‌ستاید..... ۵۶۵
۲۲۲. حسن بصری، زهد را می‌ستاید..... ۵۶۸
- (پ). پیامبران و بانیان ادیان..... ۵۶۹
۲۲۳. زردشت از سوی همگان رانده می‌شود..... ۵۶۹
۲۲۴. شاهزاده سیدارتا با پیری، بیماری و مرگ مواجه می‌شود..... ۵۷۲
۲۲۵. اولین اساتید گوتما بودا: کالاما و راماپوتا..... ۵۷۵
۲۲۶. بودا پس از اشراق اعلام می‌کند: «من فرد مقدس در جهان هستم؛ من عالی‌ترین آموزگارم»..... ۵۷۸
۲۲۷. گوتما بودا چنین می‌اندیشد: آیا آنچه را که به زحمت به دست آورده‌ام، باید تعلیم دهم؟..... ۵۷۹
۲۲۸. گوتما بودا هستی‌های پیشین خود را به یاد می‌آورد..... ۵۸۰
۲۲۹. بودا به نیروانا می‌رسد..... ۵۸۱
۲۳۰. دعوت محمد (تفسیر طبری)..... ۵۸۳
۲۳۱. محمد پیامبر خداست..... ۵۸۴
۲۳۲. محمد قرآن را ابلاغ می‌کند، «کتابی که در آن تردیدی نیست...»..... ۵۸۴
۲۳۳. خداوند داستان ابراهیم را به محمد بازگو می‌کند..... ۵۸۶
۲۳۴. الله به محمد وحی می‌کند که او چگونه بنی‌اسرائیل را نجات داد..... ۵۸۶
۲۳۵. خداوند تورات، انبیا و عیسی، پسر مریم، را فرستاد..... ۵۸۷
۲۳۶. محمد به واسطهٔ وحی سخن می‌گوید..... ۵۸۷
- (ت). فنون معنوی و تجارب عرفانی..... ۵۸۹
۲۳۷. نظر یک فیلسوف نوافلاطونی دربارهٔ فنون و آثار خلسه..... ۵۸۹
۲۳۸. تمرکز «بر نقطهٔ واحد»..... ۵۹۱
۲۳۹. وضعیت‌های یوگایی (آسانا) و آهنگ تنفس (پرانایاما)..... ۵۹۳
۲۴۰. تمرکز و مراقبهٔ یوگایی..... ۵۹۷

۲۴۱. سمادهی ..... ۵۹۹
۲۴۲. کویا، «قدیس خیابان‌ها»: پیشگام بودیسم سرزمین پاک ..... ۶۰۱
۲۴۳. هونین، و ستایش آمیدا، بودای نور بی پایان ..... ۶۰۳
۲۴۴. شینران: «تنها نمبوتسو حقیقی است» ..... ۶۰۴
۲۴۵. نیچیرن و پرستش نیلوفر حقیقت کامل ..... ۶۰۷
۲۴۶. آگاهی از راه حل (گنجو کوآن) ..... ۶۰۹
۲۴۷. نشستن و کوآن ..... ۶۱۰
۲۴۸. ضرورت و اهمیت نشستن ..... ۶۱۰
۲۴۹. تحقیر کتاب‌های مقدس ..... ۶۱۱
۲۵۰. معراج محمد [ص] ..... ۶۱۲
۲۵۱. ملاقات محمد [ص] با پروردگارش ..... ۶۱۷
۲۵۲. یک عارف صوفی با خدای خود نجوا می‌کند ..... ۶۲۱
۲۵۳. معراج عرفانی بایزید ..... ۶۲۲
۲۵۴. الجنید درباره اتحاد و افتراق سخن می‌گوید ..... ۶۲۳
۲۵۵. حلاج درباره خدا سخن می‌گوید ..... ۶۲۴
۲۵۶. مکاشفه النفاری ..... ۶۲۵
۲۵۷. گرویدن غزالی به تصوف ..... ۶۲۶
۲۵۸. جلال‌الدین رومی خود را نمی‌شناسد ..... ۶۲۷

### فصل ششم: تأملاتی درباره انسان و خدا

- الف). درک‌های متفاوت از شرایط انسانی ..... ۶۳۱
۲۵۹. بدینی مصری: «مشاجرهای درباره خودکشی» ..... ۶۳۱
۲۶۰. سرود مصری چنگ نواز: «آن که از اینجا رفته است، دوباره باز نمی‌گردد» ..... ۶۳۵
۲۶۱. دلسردی و ناامیدی مصری: اندرزهای ایبو ..... ۶۳۷
۲۶۲. یک تمثیل جینی: انسان در درون چاه ..... ۶۳۸
۲۶۳. روح ابدی زوال‌ناپذیر: تعلیم کریشنا به آرجونا ..... ۶۴۰
۲۶۴. بدینی یونانی ..... ۶۴۱
۲۶۵. بیان یک فیلسوف مشرک درباره استفاده از شمایل ..... ۶۴۳

۲۶۶. بدینی دینی در روزگار سیسرون ..... ۶۴۳
۲۶۷. الله به انسان از رگ گردن نزدیک تر است ..... ۶۴۹
۲۶۸. خداوند بر اسرار دل‌ها آگاه است ..... ۶۴۹
۲۶۹. کجاست سرزمینی که آدمی در آنجا نمی‌میرد (ناهوatl) ..... ۶۵۰
۲۷۰. یک مرتبه مکزیکی (ناهوatl) ..... ۶۵۱
- (ب). فروتنی، حکمت، شکیبایی ..... ۶۵۳
۲۷۱. یک اندیشمند دینی مصری: ..... ۶۵۳
۲۷۲. تعلیم آمنوپه ..... ۶۵۴
۲۷۳. «من فانی هستم، یک انسان» ..... ۶۶۰
۲۷۴. تصور چینی از کارمن ..... ۶۶۱
۲۷۵. فرق‌گذاری پادشاه آشوکا بین آیین‌های بی‌معنا و آیین‌های «دارما» ..... ۶۶۴
۲۷۶. تحول درونی آشوکا و آرمان پیروزی با دارما ..... ۶۶۵
۲۷۷. پادشاه آشوکا مخالف تعصب دینی ..... ۶۶۷
۲۷۸. آشوکا مخالف خشونت و تنش بین ایالت‌ها ..... ۶۶۸
۲۷۹. عصر طلایی: عصر کنفوسیوسی اتحاد بزرگ ..... ۶۷۰
۲۸۰. تعالیم کنفوسیوس ..... ۶۷۱
- (پ). بودا به شرح راه میانه می‌پردازد ..... ۶۷۵
۲۸۱. تمثیل تیر: گوتما بودا بحث دربارهٔ مسائل مابعدالطبیعی را نفی می‌کند ..... ۶۷۵
۲۸۲. راه میانه که به حکمت می‌رسد و به نیروانا می‌انجامد ..... ۶۷۷
۲۸۳. تعالیم ثمربخش و تعالیم بی‌ثمر ..... ۶۷۸
۲۸۴. بودا راه شریف هشتگانه را تبیین می‌کند ..... ۶۷۹
۲۸۵. تمثیل آتش: یک تاتهاگاتا آتش خاموش است ..... ۶۸۱
۲۸۶. تمثیل چراغ نفتی: خاموشی عطش خواستن ..... ۶۸۲
۲۸۷. اندرز بودا به ساری پوترا ..... ۶۸۳
۲۸۸. «راه فضیلت» بودا ..... ۶۸۴
- (ت). واقعیت غایی: پرسش‌ها و پاسخ‌ها ..... ۶۹۱
۲۸۹. زردشت از اهورا می‌پرسد ..... ۶۹۱

۲۰ ■ از جوامع ابتدایی تا ذن

۲۹۰. سومین آرزوی نسیکتاس ..... ۶۹۴
۲۹۱. «برهمن را برای من توصیف بنما» ..... ۶۹۵
۲۹۲. «ای یاجناوالکیا، چه تعداد از خدایان وجود دارد؟»... «یکی» ..... ۶۹۶
۲۹۳. آن، خویشتن من است... آن، برهمن است ..... ۶۹۶
۲۹۴. هرگاه نظم (دارما) افول کند، کریشنا خود را متجلی می‌سازد ..... ۶۹۷
۲۹۵. تعالیم بهگود گیتا: آنچه انجام می‌دهی، به‌عنوان نثار برای من انجام ده ..... ۶۹۸
۲۹۶. تائو، واقعیت غایی ..... ۷۰۰
۲۹۷. چوانگ‌تزو درباره تائو سخن می‌گوید ..... ۷۰۹

- (ث). تأملات درباره ایزدان، روح و خدای بزرگ ..... ۷۱۵
۲۹۸. مفهوم خدا در میان قوم نوثر ..... ۷۱۵
۲۹۹. حکمت، نجات و جاودانگی ..... ۷۱۹
۳۰۰. دیدگاه شانکارا در باب ماهیت برهمن ..... ۷۲۱
۳۰۱. دیدگاه رامانوجا درباره برهمن: ..... ۷۲۵
۳۰۲. ثنویت زردشتی: یک بیان نظام‌مند ..... ۷۲۷
۳۰۳. دیدگاه اپیکور درباره خدایان ..... ۷۳۰
۳۰۴. آموزه مسلمانان درباره خدا ..... ۷۳۱
۳۰۵. ذات اسلام ..... ۷۳۳

- نمایه ..... ۷۳۷



## از جوامع ابتدایی تا ذن

### دیباچه

به نظر نمی‌رسد که هرگز بشود فهمید که بشر از همان زمانی که از تمایز خود با دیگر جانوران آگاه شده چه احساسی از خود و جهانش داشته است. کشفیات علمی هرگز راهی برای نفوذ به درون فکر بشر نداشته‌اند، و به نظر نمی‌رسد حتی اختراعاتی مانند هوش مصنوعی هم بتواند به راحتی قدم در این هزارتو بگذارد.

به طور کلی، همهٔ انسان‌ها از ابتدای زندگی بر روی زمین، به هر نحوی و دست کم یک بار این سوال را از خود کرده‌اند که از کجا آمده‌اند و به کجا می‌روند؟ خاستگاه‌شان چه بوده و چرا این گونه زندگی می‌کنند؟ بشر چنان ذهنش را مشغول این سوال‌ها کرده که حتی مشترکات خودش را از حیات‌های جانوری پیش از خود بریده و خود را موجودی سماوی یا علوی می‌پندارد؛ و همواره در آسمان‌ها به دنبال پاسخ‌های خود است. مهم‌تر اینکه با پاسخ به این سوال‌ها و درکی که از آن دارد، آگاهانه یا ناخودآگاه، موجودیت روانی و هویتی خویش را می‌سازد که در تمامی فرهنگ‌ها و با هر باوری در هر آیین و دینی مشابه است: او مخلوق است و ضعیف، و جهان برای او مقدس است.

این سوال‌ها محور پژوهش‌ها و تمرکز میرچا الیاده، مورخ بزرگ ادیان، بر اسطوره‌های انسان ابتدایی و کاوش در آن‌ها بوده است. امتیاز او نسبت به دیگر محققان این است که توانسته نگاه بشر ابتدایی [و حتی مدرن] را به خود و جهانش دریابد و نیز، موقعیتی را که به عنوان انسان، به مثابه یک نحوهٔ وجود، در این عالم دارد. او کشف کرده که برای تمامی انسان‌ها، جهان به نحوی مقدس است، زیرا هیچ خاطره‌ای از زمان‌های آغازین ندارند و بنابراین، اساطیرشان را بنیادهای مقدس جهان در لحظهٔ آفرینش می‌دانند. کتاب ارزشمند حاضر محصول تلاش‌های الیاده برای جمع‌آوری ادراک بشر از خاستگاه خود است؛

اینکه بشر خدا را چگونه می‌بیند؛ جهان چگونه خلق شده، چگونه توانسته ابزار بسازد و... و بسیاری چراهای دیگر. و مهم‌تر اینکه، برای ما که از گذشته‌های خود بسیار فاصله گرفته و جهان را از ارزش‌های مقدس‌اش خالی کرده‌ایم، راه نفوذ به افکار گذشتگان را باز کرده تا با طی کردن در همان راه و قدم گذاشتن در جای پای انسان ابتدایی بتوانیم دریابیم که او چه احساسی درباره‌ی هستی و جهان‌اش داشته است. از جوامع ابتدایی تا ذن مجموعه‌ای بدیع از همه‌ی اعتقادات و باورهای مردمان کره‌ی خاکی، به‌ویژه باورهای جوامع ابتدایی و طبیعت‌گرا درباره‌ی خدا، آغاز و انجام انسان و جهان، زندگی و مرگ، و... است. در این کتاب به‌غیر از باورهای یهودی و مسیحی [به‌علت وفور منابع]، به باورهای تمامی دیگر آیین‌ها و ادیان پرداخته شده و از هر یک بند یا قطعه‌ای درباره‌ی محورهای کتاب آمده است. در انتهای هر بند یا قطعه نیز عنوان نویسنده، محقق، یا مترجم، و کتاب مرجع درج شده است. از آنجا که تمامی کتاب تدوینی از ترجمه‌های قدیمی محققان از زبان‌های مختلف است، لازم دیده شد تا آنجا که ممکن است برای روانی متن منابع موجود باهم تطبیق داده شوند، زیرا گاهی ترجمه‌ی این متن‌ها به قرن نوزدهم می‌رسد. به‌عنوان مثال، برای ترجمه‌ی متن‌های کهن اسکاندیناویایی [ادّا] لازم دیده شد متن‌های موجود مطابقت داده شوند تا بهترین و درست‌ترین ترجمه از این متن‌ها صورت بگیرد؛ و منابعی که ترجمه‌ی فارسی روانی از آن‌ها موجود است از همان متن‌ها استفاده شود یا دست‌کم با آن‌ها مطابقت داده شود، به‌عنوان مثال، قطعات مربوط به بهگود گیتا از کتاب بهگود گیتا ترجمه‌ی مهدی علایی استفاده شده که فارسی روان و شیوایی دارد. یا برای بندهای مربوط به کتاب‌های مقدس زردشتی یا قرآن مجید نیز عیناً از منابع موجود و متقن ایرانی با ترجمه‌های فارسی درست استفاده شده و جایگزین ترجمه‌های انگلیسی یا آلمانی شده‌اند. به‌عنوان مثال، ترجمه‌های آیات قرآن متن حاضر اثر قرآن‌شناس فقید آرتور جفری و جفری آربری است که به‌دلیل نحوه‌ی شماره‌گذاری برای آیات قرآن و اختلافی که با قرآن‌های فعلی دارد، و نیز گاه برای اختلاف معانی، لازم دیده شد تا از ترجمه‌ی زیبا و بی‌نظیر استاد مرحوم عبدالمحمد آیتی استفاده شود؛ همچنین برای بخش‌های اوستا نیز بعد از مقایسه‌ی اوستاهای موجود، به‌دلیل سادگی و روانی متن از اوستا، گردآوری ابراهیم پورداود، ویراسته‌ی جدید فرید مرادی استفاده شده تا متن برای خوانندگان غیرمتخصص شیوا، روان و قابل فهم باشد. و این همان هدفی است که میرچا الیاده در تمامی کتاب‌هایش آن را آشکارا بیان کرده که دوست داشته به‌گونه‌ای بنویسد که خوانندگان غیرمتخصص و صرفاً علاقه‌مند به این حوزه نیز بتوانند آن را بخوانند.

ترجمه‌ی این متن سنگین را دکتر سجاد دهقان‌زاده برعهده داشته که زمان زیادی را صرف آن کرده است؛ ویرایش آن نیز به لحاظ تخصصی و ادبی هم لذت‌بخش و هم زمانبر بوده است. جواد ماهزاده، مهین حسن‌زاده و رقیه سهراب‌پور نیز در تولید و به‌سرانجام رسیدن این اثر بی‌نظیر و بدیع صمیمانه تلاش کرده‌اند.

## پیش‌گفتار

انگیزهٔ تألیف این گزیدهٔ متون دینی، در نخستین سال‌های تدریس تاریخ ادیان در دانشگاه شیکاگو برای من حاصل شد. وقتی در حال بحث دربارهٔ مسئلهٔ خاصی بودیم، از دانشجویانم خواستم دست‌کم شماری از متون اصلی و بنیادین را مطالعه کنند، اما خیلی زود متوجه شدم که نمی‌توانم برای آن‌ها هیچ کتاب واحدی را معرفی کنم که بتوانند در آن برخی از متون اصلی مربوط به مثلاً، ایزدان متعال، اساطیر کیهان‌زایی، مفاهیم مرگ و دنیای پس از مرگ و غیره را ببینند. به‌رغم آنکه ما دربارهٔ مشهورترین ادیان، آثار و مآخذ بسیاری را در اختیار داریم - که البته برخی از این مآخذ عالی‌اند - اما در زبان انگلیسی هیچ گزیدهٔ جامعی وجود ندارد که نمایشگر اسناد دینی بر مبنای موضوعات و عناوین باشد. من اعتقاد دارم که یک دانشجو تنها با مطالعهٔ شمار مشخصی از متون دینی مرتبط با موضوعات مذکور (یعنی کیهان‌زایی، تشریف، اساطیر خاستگاه، مرگ و غیره) می‌تواند شباهت‌ها و تفاوت‌های ساختاری آن‌ها را دریابد.

هرگونه دسته‌بندی موضوعی در زمینهٔ اسناد دینی تا حد معینی از اراده و ترجیح افراد حکایت دارد. برای نمونه، برخی از متون که در فصل مربوط به موجودات الهی (از کتاب حاضر) جای گرفته‌اند، می‌توانستند عیناً در فصول راجع به کیهان‌زایی و تأملات دینی نیز گنجانده شوند. با وجود این، کتاب پیش‌رو چنان طراحی شده که نخست باید از ابتدا تا انتها خوانده شود و تنها پس از آن مورد بحث و نظر قرار گیرد. پی‌نوشت نمایه‌شده به خواننده کمک خواهد کرد تا اگر خواست، بتواند اسناد مربوط به هر دین خاص یا نواحی جغرافیایی - فرهنگی خاصی مثل بین‌النهرین، یونان باستان، هند (و یا یکی از شاخه‌های دین هندی: ودایی، برهمنیسم، بودیسم و غیره)، یا دین مردمان ابتدایی (بلکه همچنین، فقط استرالیا، اقیانوسیه، آفریقا، آسیا، آمریکای شمالی و آمریکای جنوبی) را به‌طور متوالی مطالعه کند.

برخی از بخش‌ها که به اسناد حاکی از ادیان مختلف و نواحی جغرافیایی-فرهنگی منتسب بودند، مسئله مضاعفی را پدید آوردند. من منطقاً قصد پرداختن به مشهورترین متون دینی را داشتم؛ اما از سوی دیگر دسته‌بندی موضوعی مرا واداشت تا همه اعتقادات، مفاهیم، شعائر و نهادهای دینی را تبیین کنم. از این رو، برای مثال، از آنجا که بخش‌های زیادی از تائوته‌چینگ، سرودهای ودایی و اوپانیشادها را انتخاب کرده‌ام، ناگزیر به آیین‌های چینی و هندی کمتر پرداختم.

بنابه دلایلی روشن، تنها قسمت‌های مشخصی از اسناد و متون را توانستیم در این کتاب بیاوریم. موارد حذفی از اصل متن با سه نقطه (...) نشان داده می‌شوند. در مورد اسناد و متون مفصل (مثل انومالیش و حماسه گیلگمش) قسمت‌های حذفی تلخیص شده‌اند. در موارد نادری هم که متن خیلی مفصل بود (مثل توصیف سنتی رادلا از قربانی اسب در میان آلتایی‌ها و عروج شمن به آسمان که بیش از پنجاه صفحه چاپی را شامل می‌شد)، با نقل قول‌هایی فاصله و وقفه‌ای ایجاد کرده‌ام. گمان من این بود که در مطالعه تکنیک‌های یوگایی، به جای آوردن قسمت‌هایی از یوگاسوترا که فهم آن حتی به همراه تفاسیر سنتی هندویی دشوار می‌نمود، بهتر آن است با نقل قول‌هایی متعدد از متون اصلی، تصویری نظام‌مند از آن ارائه شود. یادداشت‌های توضیحی تنها محدود به موارد ضروری هستند؛ در موارد بسیاری، از همان یادداشت‌های خود مترجم متن استفاده و اقتباس کرده‌ام. هر گاه ضروری می‌نمود، سندی یا مجموعه‌ای از اسناد را به همراه توضیحات مختصری (مثلاً درباره آیین تشریف، شمسیسم و اساطیر خاستگاه مرگ) بیان کرده‌ام و توضیحات خودم به صورت ایتالیک چاپ شده‌اند. تفاسیر دیگران نیز به همان صورتی آورده شده‌اند که در ضمیمه خود آن اسناد بودند؛ و این اسناد با ارجاعاتی معتبرسازی شدند. استفاده از کمانک‌ها در اسناد بازچاپ‌شده طبق شیوه کتابی هستند که از آن قسمت‌های خاصی اخذ شده‌اند.

سعی من بر آن بوده است تا از داده‌های کتاب‌ها و مجلاتی که نایاب‌اند یا به سختی یافت می‌شوند استفاده نکنم؛ زیرا خواننده علاقه‌مند به موضوعی خاص می‌تواند در آثار نسبتاً در دسترس منابع بیشتری به دست آورد. کتاب‌شناسی انتخابی آخر این کتاب با همان هدف مد نظر تهیه شد: یعنی تنها مفیدترین و مهم‌ترین کتاب‌ها فهرست شدند. وقتی می‌توانستم نام یک رساله تک‌موضوعی متأخرتری را درباره موضوع خاصی ذکر کنم که خود حاوی کتاب‌شناسی غنی و کاملاً منسجم است، دیگر ضرورتی برای آوردن نام سایر آثار احساس نکردم.

تنها از ترجمه‌های انگلیسی موجود متون مقدس استفاده کرده‌ام. در زمینه متون مقدس خاور نزدیک باستان، هندی، یونانی و ژاپنی، گزینش ما از همه ترجمه‌های موجود بود تا اشکال گوناگون ترجمه متونی چنین غامض و نامأنوس را به خواننده منتقل کنم. من در گزینش اسناد مربوط به جوامع «ابتدایی»، «فاقد الفبا»، نیز همین اصل را رعایت کردم: یعنی انتخابیم را به آثار مکتوب انگلیسی یا ترجمه‌شده به انگلیسی

محدود کرده‌ام. ضمناً باید اضافه کنم که اصطلاح «ابتدایی» لفظی گمراه‌کننده است و باید با تعابیر «فاقد الفبا» و «کهن» جایگزین شود، اما من به دلیل سهولت کار، همانند بیشتر مؤلفان لفظ ابتدایی را به کار برده‌ام. سعی کرده‌ام تا اسنادی را تقریباً از همه سنت‌های مهم دینی، از دین ابتدایی تا خاور نزدیک باستان، تا اسلام، بودیسم متأخر و ذن را در نظر بگیرم. اما به متون هیتی<sup>۱</sup> و اوگاریتی<sup>۲</sup> نپرداختم، زیرا تشریح موقعیت چندپاره آن‌ها مستلزم بحثی بسیار دامنه‌دار بود؛ به علاوه از این متون ترجمه‌های کارآمد و سهل‌الوصول بسیاری وجود دارد. از قلم‌افتادگی مهم‌تر مربوط به یهودیت و مسیحیت است. هرآینه بدون نقل‌قول‌هایی گسترده از عهد قدیم و عهد جدید کسی نمی‌تواند این دو دین را معرفی کند و به‌نظر عقلایی نمی‌رسد که با تکرار این متون بسیار مشهور، حجم و قیمت کتاب حاضر را به‌طور قابل‌توجهی افزایش دهیم. با این وجود، تدوین کتاب جامعی که اسناد یهودی و مسیحی را در مقیاس موضوعی مشابهی ارائه کند، بجا و لازم است. حال، حذف یهودیت و مسیحیت ممکن است پنداشتی نسبتاً اشتباه را در زمینه تازگی و بی‌نظیری تجربه نبوی محمد [ص] و تأملات عرفانی و کلامی اسلامی درباره خدای واحد در خواننده ایجاد کند. اما فرض من بر آن است که اکثر خوانندگان چیزهایی را درباره دو سنت توحیدی دیگر (یهودیت و مسیحیت) می‌دانند.

هیچ‌یک از نویسندگان این گزیده‌نگاری‌ها نباید امیدوار باشد که بتواند همه همکاران یا حتی کمتر از آن، همه خوانندگانش را قانع کند. صرف‌نظر از اینکه یک نویسنده در گردآوری، دسته‌بندی و معرفی اسناد دینی تا چه حد بتواند «واقع‌نگر» باشد، گزینش او در نهایت یک گزینش شخصی خواهد بود. اما من می‌خواهم تأکید کنم که کتاب پیش‌رو باید در کل ارزیابی شود و نه از نقطه‌نظر یک انسان‌شناس، یا محقق دانشگاهی یا یک فرد شرقی. همان‌طور که پیش‌تر گفتم، این کتاب چنان طراحی شده که از اول تا آخر خوانده شود، نه آنکه صرفاً مورد بحث و نظر قرار گیرد. به‌همین دلیل سعی من بر آن بوده تا پیش‌فرض‌های خاص را به حداقل برسانم. هدف این نبوده که اثر محققانه دیگری را منحصرأ برای استفاده محققان به‌وجود آورم، بلکه می‌خواستم کتابی ساده و خواندنی برای هر انسان شریفی تألیف کنم که درباره باورهای دینی هموعانش کنج‌گاو است.

در اینجا باید از دوست و همکارم پروفیسور جوزف کیتاگاوا<sup>۳</sup> به‌خاطر کمک در گزینش داده‌های ژاپنی، از خانم رهووا آرتور<sup>۴</sup> به‌خاطر تایپ دقیق بخش‌های زیادی از نسخ خطی، از آلن میلر<sup>۵</sup> به‌خاطر مطالعه برخی از متون اسلامی و از دیوید نایپ<sup>۶</sup> برای ویراستاری و آماده‌سازی یادداشت‌های مربوط به

1. Hittite

2. Ugaritic

3. Joseph Kitagawa

4. Mrs. Rehova Arthur

5. Mr. Allan Miller

6. Mr. David Knipe

داده‌های هندی و اسکاندیناوی (که در غیر این صورت داده‌ها معتبرسازی نمی‌شدند) سپاسگزاری کنم. از نانسی اوئر<sup>۱</sup> به خاطر تایپ و ویراستاری بسیاری از اسناد بین‌النهرینی و نیز به خاطر مساعدتش در طول مراحل مختلف این کتاب و همچنین به خاطر مطالعه و تصحیح شواهد سپاسگزارم. در نهایت من از همسرم تشکر می‌کنم، نه تنها به این خاطر که برخی از متون را تایپ کرد، بلکه مخصوصاً به این دلیل که همواره مشوق من در ادامه و تکمیل این اثر بود. اثری که پنج سال گذشته من را به خود مشغول کرد. البته اگر از ابتدا می‌دانستم که در کتاب پیش رو آثار بسیاری گنجانده می‌شوند، شاید جرئت نمی‌کردم به چنین پروژه‌ای مبادرت ورزم. در ازای انرژی و اوقاتی که صرف کرده‌ام، یکی از دلگرمی‌های من این بود که چنین کتاب مرجعی به دانشجویان و خوانندگان علاقه‌مند کمک خواهد کرد تا با حیات دینی انسان غیرغربی و باستانی مواجه شوند و آن را درک کنند.

دانشگاه شیکاگو

ژانویه ۱۹۶۶

## فصل یکم

ایزدان، ایزدبانوان و موجودات فراطبیعی

## الف) ایزدان مردم ابتدایی (جوامع فاقد الفبا)

### ۱. موجودات فراطبیعی استرالیایی

باورهای قبایل جنوب شرق استرالیا

در اینجا به باورهای مردم قبیله کولین<sup>۱</sup> می‌پردازیم که بازماندگان آن‌ها در قبیله ورونجری<sup>۲</sup> و آن‌گونه که در افسانه‌های آن‌ها آمده، تعریف کرده‌اند. براساس آنچه خود آن‌ها می‌گویند، ظاهراً بانجیل<sup>۳</sup> یک پیرمرد و یک نگورون گائتای<sup>۴</sup>، یک رئیس قبیله خوش‌قلب بود با دو همسر که گاناوازا<sup>۵</sup>، یعنی قوهای سیاه، بودند، و یک پسر به نام بین‌بیل<sup>۶</sup>، یعنی رنگین‌کمان، که همسر بین‌بیل رنگین‌کمان ثانی است که گاه‌گاهی ظاهر می‌شود. بانجیل به مردم کولین مهارت‌های زیستن را آموخت و یکی از افسانه‌ها می‌گوید که در آن زمان کولین‌ها بدون توجه به قواعد محرمیت به نکاح هم در می‌آمدند. دو مرد طبیب (ویراراپ)<sup>۷</sup> از طریق درخت تاران‌گالک<sup>۸</sup> - یک نزد بانجیل عروج کردند و او در پاسخ به درخواست ایشان دستور داد تا کولین‌ها به دو گروه تقسیم شوند «مردم بانجیل در یک طرف و قوم واآنک<sup>۹</sup> در طرف دیگر. قبیله بانجیل باید از واآنک و قبیله واآنک از مردم بانجیل همسرگزینی کنند.» افسانه دیگری می‌گوید که او [بانجیل] بالاخره به همراه مردمش [به تعبیر این افسانه، «پسرانش»] در

1. Kulin

2. Wurunjerrri

3. Bunjil

4. ngurungaeta

5. ganawarra

6. Binbeal

7. wirrarap

۸. Tarangalk-bek، درخت صمغ‌دار (هر نوع درختی که صمغ دهد، مثل اوکالیپتوس). - م.

9. Waang



قالب گردبادی به آسمان عروج کرد و این گردباد را بلین بلین<sup>۱</sup> (کلاغ مُشکین) بنابه دستور بانجیل، از کیسه پوس‌تین خود بیرون آورده بود. آن گونه که پیرمردان برای فرزندانشان نقل می‌کنند، بانجیل همواره در آسمان باقی می‌ماند و از آنجا بر مردم کولین فرومی‌نگرد. یکی از نشانه‌های این باور، رسم براک<sup>۲</sup> است؛ روزی پسری «پیش از رویش موهای پشت لبش» توسط کان‌گون<sup>۳</sup> (دایی‌اش) شبانه از قرارگاه بیرون برده شد؛ دایی او بانوک نیزه‌اش به ستاره الطایر<sup>۴</sup> اشاره کرد و گفت: «نگاه کن! آن یکی ستاره، بانجیل است؛ تو او را می‌بینی و او تو را می‌نگرد.» این باور، به پیش از زمان اسکان بتمن<sup>۵</sup> در سواحل رودخانه یازا<sup>۶</sup> مربوط می‌شود و ماهیت ابتدایی آن قطعی و مسلم است...

معمولاً درباره بانجیل به جای نام اصلی (بانجیل)، با تعبیر مامی‌نگاتا<sup>۷</sup> - یعنی «پدر ما» - سخن گفته می‌شود. این، تعبیر عجیب افسانه‌ها درباره اوست که بنا بر آن عنصر انسانی بر جنبه حیوانی او غلبه دارد. در حقیقت من در تصویر بانجیل نمی‌توانم هیچ ردپایی از حیوانیت او ببابم، زیرا او در همه موارد یک مرد سیاه‌پوست است، نه پرندۀ شکاری عقاب، آن گونه که از نامش برمی‌آید؛ حال آنکه عنصر دیگر تصویر او می‌توانست به اندازه انسان، حیواناتی از قبیل کانگورو، مورچه‌خوار خاردار و ماهیخوار باشد...

در میان قبیله کورنای<sup>۸</sup>، در سایه آیین‌های تشریف، دانش مربوط به موجودی هم‌تراز با بانجیل، غالباً در انحصار تشریف‌یافتگان است. پیرزنان می‌دانند که موجودی فراطبیعی در آسمان وجود دارد، اما او را صرفاً با نام مانگان‌نگوا<sup>۹</sup> «یعنی پدر ما» می‌شناسند. تنها در آخرین و سرّی‌ترین بخش از آیین‌های تشریف است که نوآموز از تعالیم مربوط به مانگان‌نگوا آگاهانیده می‌شود و البته مانگان‌نگوا نامی برای این موجود است که تنها قبیله کورنای این گونه آن را می‌نامند...

بنابه اظهارات ریدلی<sup>۱۰</sup> ما می‌توانیم در اینجا شاهد مفهوم بایامی<sup>۱۱</sup> باشیم و این اظهارات را به شکلی که هم‌اکنون نقل خواهم کرد، می‌توان کاملاً صحیح و دقیق در نظر گرفت. من بحث رنگ‌پوست را که ظاهراً برآیند پیش‌داوری ذهنی ریدلی به‌عنوان یک مبلغ در میان سیاه‌پوستان است، از این اظهارات حذف کرده‌ام. ریدلی اظهار می‌کند که در میان قوم کامی‌لاروی<sup>۱۲</sup>، بایامی نام یک سازنده (مشتق از Biai، به معنای «ساختن و بنا کردن») است که همه موجودات را ایجاد کرده و از آن‌ها حفاظت می‌کند. آن‌ها

۱. Belin belin. خدای باد و توفان در میان مردم کولینی. وقتی آرام به اطراف می‌وزد، و آنگ نامیده می‌شود. - م.

2. berak

3. kangun

4. Altair

۵. Batman، ابرمرد خفّاشی شکل. - م.

6. Yarra River

7. mami-ngata

8. Kurnai

9. mungan-ngaua

10. Ridley

11. baiame

12. Kamilaroi

معتقدند، با اینکه او عموماً نامرئی است، اما در هیئت انسانی متجلی شده و نعمت‌های گوناگونی را به تبار انسانی ارزانی داشته است.

در زیر به اظهارات یکی از اولین ساکنان سرزمین کامی لاروی اشاره می‌شود و من فکر می‌کنم که آن، تصور بومی از بایامی را - عاری از پیش‌داوری‌های ما - آشکار کند. اگر شما با اشاره به چیزی، از یک فرد کامی لارویی بپرسید، «چه کسی آن را ساخته؟» او پاسخ می‌دهد: «بایامی دیج»<sup>۱</sup> یعنی، «فکر می‌کنم، بایامی». اعتقاد بر آن است که بایامی مدت‌ها پیش از طرف غرب نزد قبیلهٔ گولارین‌بری<sup>۲</sup> در منطقهٔ بارون<sup>۳</sup> آمد و چهار یا پنج روز در آنجا اقامت کرد؛ آن‌گاه به همراه دو همسرش آنجا را به سمت شرق ترک کرد. آن‌ها اعتقاد دارند که او روزی دوباره باز خواهد گشت...

در میان همهٔ قبایلی که در یوئین کورینگال<sup>۴</sup> حاضر می‌شوند، ایمان به دارامولون<sup>۵</sup>، «پدر» و بیامبان<sup>۶</sup>، «پروردگار» رواج دارد. من آن‌ها را در فصول بعدی<sup>۷</sup> مفصلاً توصیف کرده‌ام و ممکن است اکنون در دستورالعمل‌های مربوط به شعائر اشاره‌ای گذرا به آن‌ها داشته باشم. در اعصار دور دارامولون به همراه مادرش، نگالالبال<sup>۸</sup> بر روی زمین زندگی می‌کرد. زمین در اصل «مثل آسمان عریان و همچون سنگ سخت» بود و خشکی تا جایی که امروزه دریاست، امتداد داشت. به جز حیوانات، پرندگان و خزندگان هیچ انسانی اعم از مرد یا زن وجود نداشت. او در خنان را روی زمین قرار داد. پس از آنکه کابوکا<sup>۹</sup> یک باسترک<sup>۱۰</sup>، باعث چنان سیلی و توفانی در زمین شد که کل خشکی ساحلی را فراگرفت، به جز کسانی که خود را از سیل بر فراز کوه درومداری<sup>۱۱</sup> بالا کشیده بودند، هیچ انسانی زنده نمانده بود. آن‌گاه دارامولون به آسمان رفت؛ او اکنون در آنجا زندگی می‌کند و از آنجا بر کردار انسان‌ها نظارت دارد. او نخستین کسی بود که کورینگال<sup>۱۲</sup> و غرش‌گاو نر را ایجاد کرد، که همان صدای واقعی اوست. او به مردم یوئین<sup>۱۳</sup> گفت چه کار کنند و به آن‌ها قوانینی عرضه داشت که از پدر به پسر تا به امروز منتقل شده است. او به گومرها<sup>۱۴</sup> قدرت داد تا از جادوی جوئاس<sup>۱۵</sup> و سایر جادوها استفاده کنند. وقتی انسانی می‌میرد، و تولوگال<sup>۱۶</sup> (روح) او منفک می‌شود، این دارامولون است که با آن ملاقات می‌کند و مواظب

1. Baiame deah

2. Golarinbri3. Barwon

4. Yuin Kuringal

5. Daramulun

6. Biamban

۷. فصل پنجم، شمارهٔ ۱۹۸ - م.

8. Ngalalbal

9. Kaboka

۱۰. نوعی پرندهٔ کوچک از گونهٔ مگس‌خواران. - م.

11. Mount Dromedary

12. kuringal

13. The Yuin

14. The Gommeras

15. joias

16. tulugal

آن است. این سایهٔ انسان<sup>۱</sup> است که نزد دارامولون به بالا می‌شتابد...

به نظر می‌رسد نورو ندره،<sup>۲</sup> نورگی،<sup>۳</sup> بانجیل، مانگان نگوا، دارامولون، بایامی، تماماً اما باعناوین مختلف، بر وجودی واحد دلالت دارند. به این فهرست می‌توان کوین<sup>۴</sup> قبایل مرداب مک کواری،<sup>۴</sup> مامبا،<sup>۵</sup> بیرآل<sup>۶</sup> و کوهین<sup>۷</sup> قبایل رودخانهٔ هربرت<sup>۸</sup> را افزود و همین‌طور دامنهٔ این اعتقاد را به یقین می‌توان تا مناطق ویکتوریا<sup>۹</sup> و همهٔ دره‌های جنوبی جدید<sup>۱۰</sup> تا مرزهای شرقی قبایل رودخانهٔ دارلینگ<sup>۱۱</sup> گستراند. اگر شیوع این اعتقاد قبایل ساحل کوئینزلند<sup>۱۲</sup> را شامل می‌شود، پس ضمناً می‌تواند محدوده‌های غربی خطی فرضی که از دهانهٔ رود موری<sup>۱۳</sup> تا کاردول<sup>۱۴</sup> کشیده می‌شود - و در این صورت محدودهٔ زیاد تقسیم‌شدهٔ آب‌ها را به انضمام برخی از مناطق درون مرزی در دره‌های جنوبی جدید - نیز شامل شود. این نمایندهٔ بخشی از استرالیا خواهد بود که در آنجا نوعی اعتقاد به یک موجود فراطبیعی انسان‌شکل‌انگار وجود دارد که در آسمان زندگی می‌کند و اعتقاد بر آن است که تأثیرهایی بر سیرهٔ اخلاقی بومیان داشته است. چنین اعتقادی در سایر بخش‌های استرالیا به چشم نمی‌خورد، هرچند نشانه‌هایی از نوعی اعتقاد به موجودات انسان‌شکل‌انگار که در پهنهٔ آسمان زندگی می‌کنند، وجود دارد.

این وجود فراطبیعی با هر عنوانی که شناخته شود، اعتقاد بر آن است که روزگاری بر زمین اقامت داشت، اما بعداً به قلمرو فراسوی آسمان عروج کرد؛ او اکنون در آسمان باقی است و بر انسان‌ها نظارت دارد. همان‌طور که دربارهٔ دارامولون گفته می‌شود که او قادر است به هر جایی برود و هر کاری انجام دهد؛ او قادر است نامرئی شود، اما وقتی خود را مرئی می‌سازد، در هیئت پیرمردی از نژاد استرالیایی است. او یقیناً نامیراست، زیرا از زمان پیدایش موجودات وجود داشته و هنوز هم زندگی می‌کند. اگرچه او از چنین اوصافی برخوردار است، اما صرفاً به شکلی است که بومیان او را تصور می‌کنند و اگر زود هنگام با جادوی اهریمنی کشته نمی‌شد، می‌توانست هیئت هرکس دیگری را داشته باشد.<sup>۱۵</sup>

Based on A. W. Howett, *The Native Tribes of Sout-East Australia*, (London, 1904), pp. 491-500.

۱. سایهٔ انسان در ادبیات مردمان ابتدایی معادل روح و حتی شیخ آدمی است. - م.

- |                  |                     |                   |                          |
|------------------|---------------------|-------------------|--------------------------|
| 2. Nurrundere    | 3. Nurelli          | 4. koin           | 5. Lake Macquarie Tribes |
| 5. mamba         | 6. birral           | 7. kohin          | 8. Herbert River         |
| 9. Victoria      | 10. New South Wales | 11. Darling River | 12. Queensland           |
| 13. Murray River | 14. Cardwell        |                   |                          |

### خدایان متعال آفریقایی

خدایان اقوام آفریقایی نیز نظیر همهٔ موجودات متعال سماوی مردمان «ابتدایی»، آفریدگار، قادر مطلق، خیر خواه و غیره تصور می‌شوند؛ اما آن‌ها نقش نسبتاً ناچیزی در حیات دینی دارند؛ و چون بسیار دوردست‌اند و یا از فرط کمال، نیازی به داشتن یک کیش واقعی ندارند و تنها در بحران‌های بزرگ مورد استغاثه و احضار قرار می‌گیرند.

(Cf. M. Eliade, *Patterns in Comparative Religion*, trans. Rosemary Sheed, [New York: Sheed and Ward, 1958], pp. 47-50).

### ۲. نزامبی، خدای متعال بانگونگو

قبیلهٔ باکونگو<sup>۱</sup> بومی منطقهٔ رودخانهٔ کنگو سفلی است.

نزامبی میانگوا<sup>۲</sup> موجودی نامرئی اما بسیار تواناست که همهٔ انسان‌ها و اشیا، و حتی بت‌هایی را که برای خیرشان به آن‌ها داده بود، آفریده است. «اگر او بت‌هایمان را به ما نبخشیده بود، همهٔ ما یقیناً مدت‌ها پیش نابود شده بودیم.» او در آفرینش هر کودک نقش دارد و کسانی را که از قوانین منع او سرپیچی کنند، هلاک می‌کند... آن‌ها هیچ پرستشی را نثار او نمی‌کنند، زیرا او مستغنی از هر چیزی و دست‌نیافتنی است. انسانی که روی زمین زندگی می‌کند دائماً نیازهایی دارد که باید برآورده شود؛ افراد مُسین از جایگاه ممتازی برخوردارند؛ اما والاتر از همه نزامبی، سرور توانا و دست‌نیافتنی است که انسان را در این جهان قرار داده و روزی در موقع مرگ او را باز خواهد بُرد. او انسان پیر و جوان را بی‌رحمانه باز می‌بَرَد... در زمرهٔ قوانین، نکوندو می نزامبی،<sup>۳</sup> یعنی «اوامر خدا» وجود دارد که پیامد تخطی از آن‌ها، سومو کو زامبی،<sup>۴</sup> یعنی «گناهی علیه نزامبی» است و مجازات آن‌لُفوا لومبی،<sup>۵</sup> یعنی «مرگ فجیع» خواهد بود.

Van Wing, 'Etudes Bakongo' (Brussels, 1921; pp. 170 ff) as translated by Edwin W. Smith in Smith (ed.), *African Ideas of God: A Symposium* (2nd ed.; London, 1950), p. 159.

1. Bakongo

2. Nzambi Mpungu

3. nkondo mi Nzambi

4. sumu ku Nzambi

5. lufwa lumbi

### ۳. وجود متعال ایسو کو (نیجریه جنوبی)

کیش ایسو کو<sup>۱</sup> با وجود متعال، سگهنه<sup>۲</sup> آغاز شد که گفته می‌شود هم او جهان و همه انسان‌ها، از جمله مردم ایسو کو را آفرید. او در آسمان که بخشی از خود او بود، می‌زیست، باران و نور آفتاب را فرو می‌فرستاد و خشم خود را از طریق رعد و برق نشان می‌داد. سگهنه تماماً در فراسوی ادراک بشری است، هرگز دیده نشده، فاقد جنسیت بوده و تنها از طریق افعالش قابل شناسایی است؛ افعال او هستند که باعث شده تا انسان‌ها وی را «یک او» بنامند، زیرا سگهنه آفریدگار و از این رو، پدر همه مردم ایسو کو تصور می‌شود. او «پدر ما» خطاب می‌شود، نه «پدر من». سگهنه همواره بدی را عقاب می‌کند و نیکی را پاداش می‌دهد؛ همین باور است که موجب می‌شود مردم ایسو کو جادوگری را از حیث شرعی که ممکن است متوجه نیکوکاران کند، طرد و نکوهش کنند. با وجود این، چون سگهنه بسیار دوردست و غیرقابل شناسایی است، از این رو، هیچ معبد یا کاهنی ندارد و هیچ دعا یا قربانی‌هایی به پیشگاه او تقدیم نمی‌شود. سگهنه برای به هم آوردن شکاف بین خود و انسان، واسطه‌ای به نام اویسه<sup>۳</sup> را به کار گماشته است که با عنوان او کوسگهنه<sup>۴</sup> یا «پیامبر سگهنه» مورد اشاره قرار می‌گیرد. این اویسه تیرکی به ارتفاع هشت پا است که از درخت اویسه ساخته می‌شود و پس از یک پیشکش هفت گانه، در حیاط خانه مسن‌ترین عضو خاندان، و منحصرأ در حیاط خانه او، بنا می‌شود. هر سحرگاه، بزرگ خاندان، جویدنی‌های استفاده‌شده خود را در پیشگاه این تیرک زمین می‌اندازد و در حق خاندان و دیار دعا می‌خواند. سگهنه را می‌توان از طریق اویسه در مواقع مصیبت یا نیاز فراخواند.

James W. Telch, *The Isoko Tribe, Africa*, 7 (1934), pp. 160-173.

### ۴. نگای، وجود متعال کیکویو

کیکویو<sup>۵</sup> یک قبیله بانتویی زبان<sup>۶</sup> در آفریقای شرقی است.

نخست آنکه ما گوتای تایا نگای<sup>۷</sup> داریم که به معنای «استغاثه از نگای» یا «ستایش نگای» است. نگای<sup>۸</sup> اسمی برای خداوند متعال است. تفاوت بین پرستش خدا و نیاکان پرستی براساس این واقعیت روشن

1. Isoko Religion

2. Cghene

3. Oyise

4. Uko Cghene

5. Kikuyu

6. Bantu-Speaking Tribes

7. Gothaitaya Ngai

8. Ngai